

الاعداد و غیر البعدای و لوب فرزند لندی محمد چلی افندیان ملازم  
 اولوب مخدوم زاده لرند و می معلولمش کرد و معارف جزئی و کلیه ده  
 را سنج و با هر طایفه ای محاسبه صحت و معاشرا و لغله حکم زبان فارسی  
 تمام قدر طایفه علم الحسن خطدن خطاری و لیون کلام و معادین  
 بی بهره در اما کجانب مولوی خطای فلفلیقه خوش نوبت کلام  
 تمام صفحه و در معارف بی شمار لرند بزی کلفرا اشعار را یاد کرده  
 صوکی طبع بر صفا لر اول وادی به روان و جاری و آنا طبع بر افتدای  
 میوی مشک تبت و رای عود قاری کمی منتنه و ساریه بویر کالی انشعار  
 اول ذات بدیع الامان ک قیاس لرند در بو حلیه نزل و چون کوی لرند  
 حال چلیاننده و نایک کورن بها  
 بزم عمده طریقی آه و نال لرند  
 میل انسیه حیرین نوال عجیب مید  
 ساسی غنچه نم کلسنده بیله در  
 زلفینه دل اوزنمه دلاستنی بلزده  
 دنا و در فشا اولدی بو در بزم  
 سبانه کما و جنون جلشده جان صمله  
 شریف بولدی بسک کویک نینده فغان  
 کل خود و اهل بیت تش کندی و ن  
 کلوت ما سینی فضل اندی اولدی مع  
 قیلده کامل بخاره اولدی چون کور با  
 فرزند چلیاننده نوز سینه لرند

اولدی

**صطحی** سابقه و مسطور اولان عری افندیان فرزند و حسندی  
 حال احداث سن عقفون شیا بدو یعنی بیالک لوب ایله نصی می  
 اسجع معارف و کالات منتنه حضور و فضا رای نیمی اراضیا فضالی  
 بی نهایت جابده مقصود اولوب اعنه سعی جلی استصال جفایق  
 حکیمه به معرفت نسبت روز شایده ان فضل عرفانله امتیاز و انبلاقی  
 و اما و اسلاقی کمی مکار و احلا قله تمام انصافی و از مخدوم سینه ارضاع  
 اطوار و روشنی که عنایت بی غایت کریم کرد کار له حدیقه روز کانه ده

وجود بر عشا رود بر خور دار اولوب نهال مسعودی کلک شایسته  
 ثابت و با با اولان ش و احد الکک الغفار عیال اعتبار و اشتها  
 بولسی اوز خور شید تا بدار کی روشن و انجبار و در حال انظر اشعار  
 کوشش و بدیز بیلوار لر ای بی بو فته تمام روزش اوز ره در بو اشعار کله  
 معصود لر کوش کوز بیکه بر بطاره  
 ایام بجز بارده همه ملک ایتدی  
 زفتنده در شه و کله بزم نار انجیز  
 ابر و لر کله خطر کای شوخ شکر کاه  
 ابر و لر کله دست شکمک وحی واردر  
 بر باره طور دیسم او بری طویلیوب  
 انجیز کاب روان دللری نوله  
 مثلا **معصوم** نامی مخدوم بلال وجود بر عنوان و با بر سانه مرفا انجان  
 و بیکل مشهور خلق جهان و ممدوح انس و جان اولان مخدوم و سن شایسته  
 طالع و عیان اولوب لر زوی است با افاقه در دست نجا قدن و السلطة  
 العلیه به حکومت در تریان اولمشیدی فی الواقع کویه کان معارف لیدی  
 لرندن جلاله و بخت و بختی عیان اولدی و لوبی شایهوار عیان انکاب  
 ایدی صد قدن صحیح کوشواره اشرف اعیان اولدی اقباب عالمیا  
 و ایما برده قرار ایلنه نوری سکار اولدی و دست به ایلند بر ازان ایلانه  
 تنگ با و لغله صید و شکار ایتدی بود با رجب سلطان بر تو اعزاز اولدی  
 حماسه و وجود خطری اولان خانه کثره التقصیر آرشان ساز اولمش ایدی  
 طریق علم و عرفانه سالک اولدی قدنه زمانیه سینه شجرت شکار ایتدی  
 نادر اولدی قدنه سلطان لاجل لرستان الامانل سر و قهر انجبار کرمسته  
 وجود ایت سید مصحف وجود مطلع انوار دیارت و نصارت شعاع آثار  
 سعادت صدقات خضر کای انوار اصال و اجتهاد جلاله و جناب  
 بر فضائل ان ظاهر و لایح و روح سعاد و اقبال اول ذات بر کماله

Copy ng iversity